

گزارش روز

شروط دریافت وام صادراتی صندوق توسعه ملی

احسان قمری*

● صندوق توسعه ملی در سال ۹۹، دو هزار میلیارد تومان از منابع ریالی خود را در قالب وام به صادرکنندگان اختصاصی داده است. این رقم به‌همراه آورده‌بانک‌های عامل توزیع‌کننده‌وام در میان بازرگانانی که از ارزی صادراتی خود را به کشور بازگردانده‌اند، در قالب تسهیلات در حال توزیع است. در سال ۹۸ در مجموع از محل منابع صندوق توسعه ملی و منابع داخلی بانک‌ها چهارهزار میلیارد تومان تسهیلات به بخش صادرات اختصاص یافت و درحال‌حاضر هم هنوز مشغول توزیع اعتبارات سال ۹۸ هستیم. تاکنون حدود هزارو۶۰۰ میلیارد تومان از این منابع را به صادرکنندگان تخصیص داده‌ایم. در سال‌های گذشته که سته حمایت از صادرات غیرنفتی بود هم منابعی از صندوق توسعه ملی برای این منظور در نظر گرفته می‌شد اما در سال ۹۸ با کمک همکارانمان هم هنوز تسهیلات توزیع اعتبارات سال ۹۸ هستیم. تغییراتی در نحوه توزیع وام ایجاد کردیم. در سال‌های گذشته صندوق توسعه ملی منابعی را برای پرداخت تسهیلات سرمایه در گردش با نرخ ترجیحی در بسته حمایتی طراحی می‌کرد و خودش آن را به بانک‌های عامل می‌داد و بانک‌های عامل هم به صادرکنندگان می‌دادند. بانک‌های عامل به اختیار خود و با توجه به ضوابط خود به صادرکنندگان وام می‌دادند. در سال ۹۸ با دیدگاه جدیدی که در سازمان توسعه تجارت با حضور آقای زاذبوم ایجاد شد، تصمیم گرفته شد که مسئول پرداخت مشوق‌های صادراتی سازمان توسعه تجارت باشد. این تسهیلات، یک تسهیلات تشویقی است؛ بنابراین باید اهلیت صادرکننده ازسوی یک مجموعه مرتبط با صادرات سنجیده شود. سازمان توسعه تجارت با توجه به دسترسی به بانک اطلاعات صادرکنندگان، برای این کار صلاحیت بیشتری نسبت به بانک‌ها دارد. برای تخصیص وام اولین شرط مورد نظر سازمان توسعه تجارت، بازگردانن ارز صادراتی بود؛ یعنی اگر صادرکنندگان ارزهای صادراتی خود را بازنگردانده باشند، اصلا نمی‌توانند وارد سامانه درخواست وام شوند. مهم‌ترین شرط ما برای دریافت تسهیلات تشویقی بازگردانن ارز است و نداشتن این شرط می‌تواند فرایند احراز صلاحیت فرد را در دریافت وام را متوقف کند. براساس قانون و مصوبه کمیته ماده ۱۰ در دریافت هر نوع خدمتی منوط به بازگشت ارز است. این نیست که کسی میلیاردانه دلار صادرات انجام دهد و ارز آن را بازنگرداند ولی با نرخ ۱۴۰۵ درصد وام هم دریافت کند. این ظلم به سایر صادرکنندگانی است که ارز خود را با سختی به کشور بازگردانده‌اند. پس از احراز شرط بازگردانن ارز، بر تقاضیان وام باید شرایط دیگری هم داشته باشند. برای درخواست‌کنندگان اولویت‌بندی‌هایی انجام شده است که براساس این اولویت‌ها، صادرکنندگان امتیازبندی شده و به آنها وام تعلق خواهد گرفت. از نظر سازمان توسعه تجارت حقیقی و حقوقی بودن اشخاص مهم است. مجموعه‌های حقوقی اولویت بیشتری دارند. همچنین میانگین صادرات سه‌ساله منوط به بازگشت ارز است تا اگر به دلایلی در یک سال نتوانستند صادرات انجام دهد، حقوقشان ضایع نشود. با بررسی روندها تلاش می‌کنیم عملکرد یک‌ساله فرد ملک قضاوت برای احراز صلاحیت قرار نگیرد. شرط دیگر بررسی گروه‌های کالایی است. براساس آن به صادرکننده امتیاز می‌دهیم. صادرات کالای خام مثل پتروشیمی یا معدن امتیاز کمتری نسبت به صادرکنندگان فرش، محصولات کشاورزی و کالاهای با ارزش افزوده بیشتر خواهند داشت. کشورهای هدف هم مهم است. اولویت ما صادرات به ۱۵ کشور همسایه، چین، هند، سوریه، لبنان و اوراسیا است. نه اینکه اگر صادرکنندگان به جاهای دیگری غیر از این کشورها صادرات داشته باشند، وام به آنها تعلق نمی‌گیرد بلکه ۸۰ درصد منابع موجود را بین صادرکنندگانی توزیع می‌کنیم که به کشورهای هدف ما صادرات انجام دهند و ۲۰ درصد منابع به صادرکنندگان سایر کشورها اختصاص خواهد یافت. صادرکنندگانی که قصد دریافت وام دارند باید در سامانه سپیدار سامانه توسعه تجارت برای احراز اهلیت صادراتی ثبت‌نام کنند. برای دریافت وام ورودی از سامانه سپیدار خواهد بود و پس از رتبه‌بندی افراد، نتیجه از سامانه به‌ین‌یاب در اختیار آنها قرار می‌گیرد. تجار براساس امتیازاتی که دارند، به بانک مراجعه کرده و پس از احراز اهلیت بانکی آنها ازنظر خوش‌حسابی و… می‌توانند وام خود را دریافت کنند. این وام هزینه‌های صادرات را کاهش می‌دهد زیرا در شرایط تورمی، قاعده‌ای در اقتصاد داریم که تورم باعث انتقال درآمد از وام‌دهنده به وام‌گیرنده می‌شود. با تورمی که داریم، نرخ‌های بهره عدد قابل‌توجهی نیست. درحال حاضر اگر درست حساب کنیم، نرخ بهره بانکی حدود ۳۰ درصد است اما تسهیلات صندوق با نرخ ۱۴۰۵ درصد به صادرکنندگان ارائه می‌شود. این تسهیلات فرصت خوبی برای صادرکنندگان ایجاد می‌کند. در سال ۹۹ هم تسهیلات صندوق توسعه ملی به‌همراه منابع داخلی بانک‌ها به میزان چهار هزار میلیارد تومان برای کمک به صادرات دیده شده است اما هنوز ثبت‌نام برای این وام را آغاز نکرده‌ایم. بانک‌ها هم تسهیلاتی در فرایند توزیع تسهیلات می‌توانند به سازمان توسعه تجارت بیایند و طرح توجیهی خود را ارائه دهند تا با کمک آنها وام تشویقی صادرکنندگان توزیع شود.

●مدیرکل دفتر توسعه خدمات بازرگانی سازمان توسعه تجارت

شرق: چشم‌ها در انتظار بود که تصمیم‌گیری کمیته وزارتی نظارت بر توافق کاهش عرضه اوپک پلاس در روز پنجشنبه چه تصمیمی برای آینده بازار می‌گیرد. یکی از انتظارات نیز برخورد با اعضایی بود که از توافق پیشین تخلف کردند و موجب افزایش ظرفیت مازاد در بازار و در نتیجه کاهش قیمت نفت شدند. این اتفاق کی می‌توانست آینده بازار نفت را متاثر کند، به‌خوبی از سوی اعضا رصد شد و سرانجام شاهزاده عبدالعزیز بن سلمان، وزیر انرژی عربستان سعودی که ریاست این جلسه را برعهده داشت، بر نزدیک‌ترین متحد خود در منطقه بدون آنکه نامی از او ببرد، تازید و از این کشور خواست به تعهدات پایبند بماند.

توبیخ لفظی متخلفان اوپک پلاس توسط وزیر سعودی

در این کمیته که با هدف بازگرداندن ثبات و توازن کامل به بازار نفت برگزار شده بود، عربستان سعودی با توبیخ لفظی نزدیک‌ترین متحد خود در منطقه، عزم خود را برای متوقف‌کردن تخلف اعضای اوپک پلاس در اجرای سهمیه کاهش تولیدشان نشان داد. شاهزاده عبدالعزیز بن‌سلمان، وزیر انرژی عربستان سعودی رفتار اعضای اوپک که تلاش می‌کنند نفت بیشتری تولید کنند را قویا محکوم کرد. وی از کشوری نام نبرد اما حضور وزیر انرژی امارات متحده عربی در کنار وی به‌خوبی گویای منظورش بود. به گزارش ایسنا، سهیل‌المرزوعی، وزیر انرژی امارات متحده عربی در یک اتفاق کم‌سابقه به‌جای ابوطی، در ریاض و در کنار همتای سعودی خود در کنفرانس مجازی کمیته نظارتی مشترک وزیران اوپک پلاس حضور پیدا کرد و در سکوت به اظهارات عبدالعزیز بن سلمان گوش کرد. امارات متحده عربی در ماه‌های اخیر یکی از بدترین موارد نقض توافق کاهش تولید نفت را در میان اعضای اوپک و متحدانشان داشته است. طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، این کشور در آگوست تنها به ۱۰ درصد از سهمیه کاهش تولیدش عمل کرد. شاهزاده عبدالعزیز

اقتصاد

کمیته وزارتی نظارت بر توافق کاهش عرضه نفت اوپک پلاس، بر پایبندی کامل اعضا تأکید کرد

توبیخ متخلفان اوپک پلاس



در این نشست مجازی هشدار داد: استفاده از تاکتیک‌ها برای تولید بیش از حد و مخفی‌کردن عدم پایبندی در گذشته بارها امتحان شده و همیشه شکست خورده است. تولیدکنندگان متخلف هیچ دستاوردی نداشته و به شهرت و اعتبار گروه خدشه وارد کرده‌اند. وزیر انرژی عربستان سعودی گفت: تلاش‌ها برای زرنگی‌کردن در بازار موفق نخواهد شد و تأثیر منفی می‌گذارد، زیرا چشم‌ها فناوری جهان به ما دوخته شده است.

پیش‌بینی نواک از بهبود کامل تقاضا در سال آینده

الکساندر نواک، وزیر انرژی روسیه که ریاست کمیته نظارتی را به‌طور مشترک همراه با شاهزاده عبدالعزیز برعهده دارد، در ابتدای جلسه گفت: ما شاهد دشواری

نهادهای توسعه‌گر را در کره و تایوان چگونه عمل کردند

نقش بوروکراسی قدرتمند در رشد شرق

حامیان دولت حداقلی احتمالا موافق بودند که یک بوروکراسی توانا برای سیاست‌گذاری اقتصادی مؤثر مهم بود؛ یک بوروکراسی با سازمان مناسب و شایسته‌سالار حتی برای کسانی که سیاست‌گذاری صنعتی را عنصری مهم از رشد منطقه تلقی می‌کردند، اهمیت بالایی داشت.

اما جای تعجب است که به این پرسش که بوروکراسی‌های کارآمد چگونه پدیدار می‌شوند، توجه کمی شده است. تحت چه شرایطی رهبران سیاسی انگیزه می‌یابند تا چنین نهادهایی بسازند و چرا آنها به این شکل درمی‌آیند؟ کمپوس و روت توضیحی ارائه می‌دهند که در معمای اساسی اقتدارگرایی ریشه دارد. اقتدارگرایی تا دهه ۱۹۸۰ از ویژگی‌های بارز حاکمیت سیاسی در بیشتر کشورهای با رشد بالای آسیایی بوده است. رهبران اقتدارگرا در متقاعدکردن عواملان اقتصادی در امن‌بودن حقوق مالکیت و ثبات یک استراتژی مشخص دشواری‌هایی دارند، زیرا قدرت آنها اجازه می‌دهد سیاست را به خواست خود تغییر دهند. یک راه‌حل این مشکل از طریق واگذاری اختیارات است؛ واگذاری قدرت تصمیم‌گیری به عوامل تکنوکراتیک نسبتا ایزوله. البته اگر حاکم اقتدارگرا بتواند اختیاراتی را واگذار کند، پس او می‌تواند این اختیارات را پس بگیرد؛ اما او این کار را با هزینه‌ای انجام می‌دهد. تفویض اختیارات با افزایش هزینه پیمان‌شکنی، باعث افزایش امکان اعتمادکردن عواملان اقتصادی به حکومت می‌شود.

۲ فضای نهادی متفاوت

هاگارد و همکارانش با کمپوس و روت همراهی هستند که اصلاح بوروکراتیک در کره و تایوان از پروژه‌های سیاست‌گذاری وسیع‌تر حاکمان اقتدارگرا که استراتژی‌های رشد صادرات‌محور این کشورها را آغاز کردند، حمایت کرده است. حزب کمونیست (KMT) در تایوان و حکومت نظامی تحت امر یارک چونگ هی که در سال ۱۹۶۱ در کره به قدرت رسیدند. در هر دو مورد، رهبران سیاسی به اصلاح خدمات دولتی علاقه‌مند شدند تا اقدام‌های عمل‌گرایانه خود را انجام دهند. در هر دو مورد، حکومت‌ها اصلاحاتی ساختاری انجام دادند که ساختار انگیزشی داخلی را بهبود بخشید و بوروکراسی (یا بخش‌های خاصی از آن) را شایسته‌سالارتر کرد. در هر دو مورد ما شواهدی می‌یابیم که ادارات ایزوله و متمرکز «پیشاهنگ» نقشی در هماهنگ‌سازی سیاست کلی ایفا کرده‌اند. هاگارد و همکارانش این رویکرد به اصلاح بوروکراتیک (یا هرگونه تغییر سیاستی) را که در وهله اول بر تأثیرات بهبوددهنده کارآمدی متمرکز دارند، رد می‌کند. اگر اصلاح سیاستی و بوروکراتیک و واگذاری اختیارات راه‌حلی شهل‌الوصول برای معمای اقتدارگرایی فراهم می‌کردند، دیکتاتورها سوابق اقتصادی مثبت یک‌دست‌تری داشتند؛ اما این پژوهشگران در عوض محدودیت‌های نهادی و سیاسی را تحلیل می‌کنند که نخیکان حاکم تحت آن محدودیت‌ها عمل می‌کنند. در انجام این کار، آنها بر انواع متعددی از طراحی سازمان بوروکراتیک تأکید دارند که به‌نوبه خود اختلاف‌های بزرگ‌تر سیاست‌گذاری بین دو کشور را بازتاب می‌دهند. وجود یک سازمان حاکم در تایوان میزانی است‌استمرار در سازماندهی سیاسی فراهم کرد که در کره در مجموع وجود نداشت. وجود یک حزب حاکم امکان نفوذ بسیار گسترده‌تر در جامعه را فراهم کرد و فرصت‌ها برای سازماندهی سیاسی و اجتماعی مستقل را به‌طور اساسی کاهش داد؛ اما به‌دلیل تاریخ سیاسی، KMT در مقایسه با رهبری سیاسی کره نسبت به تورم و خواست‌های روستاها حساس‌تر بود. ابرتورم و شکست در رسیدگی به مسئله روستاها از جمله دلایل اصلی شهل‌الوصول حزب معمای کمونیست در چین بودند. سازمان بوروکراتیک از طریق یک کمیسیون اصلاح قدرتمند نواحی روستایی و یک بانک مرکزی مستقل به این نواحی امتیازهای سیاسی‌می‌دادند.

دوم، در مقابل با کره، سیاست‌گذاری در تایوان در ابتدا جهت‌گیری بسیار بیشتری به‌سوی بخش دولتی داشت. حکومت کمونیستگ تقریبا به‌طورکامل از چنین‌ها تشکیلی می‌شد و روابط بسیار کمی با بخش خصوصی محلی تایوانی داشت و نیازی هم به حمایت سیاسی آنها نداشت. محافظه‌کاره در این حزب به‌شدت نسبت به قدرت اقتصادی بخش خصوصی بدبین بودند و حفظ یک بخش بزرگ مشکل از بنگاه‌های دولتی (SOE) را ترجیح می‌دادند. سازمان بوروکراتیک این اولویت‌ها را بازتاب می‌داد؛ اداراتی که حمایت مستقیم از بخش خصوصی را فراهم می‌کردند در مقایسه با همتایان کره‌ای خود نسبت ضعیف بودند و ابزارهای محدودی داشتند.

سیاست کره نسبت به تایوان ثبات بسیار کمتری داشته است و بین

طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، امارات متحده عربی در آگوست حدود ۵۲۰ هزار بشکه در روز بالاتر از سهمیه خود نفت تولید کرده است. نقض توافق کاهش تولید از سوی این کشور با شرایط دشوار بازار نفت هم‌زمان شده که سبکال‌های جدیدی از آسیب‌دیدن تقاضا تحت تأثیر دوم موج ابتلا به ویروس کرونا را دریافت کرده است. نفت برنت پس از ماه‌ها ثبات، هفته گذشته برای نخستین بار از ژژئن به پایین ۴۰ دلار در هر بشکه سقوط کرد.

افزایش قیمت نفت در پی تغییر برآورد یک بانک آمریکایی

قیمت نفت به علت پیش‌بینی مواجه‌شدن بازارهای نفتی با کسری و وقوع یک توفان دیگر در آمریکا افزایش یافت و در مسیر ثبت افزایش هفتگی ۱۰درصدی قرار گرفت. به گزارش رویترز، پس از انتشار برآورد بانک گلدمن‌ساکس که بازار نفت با کسری مواجه است و همچنین وقوع یک توفان جدید در خلیج مکزیک، قیمت نفت در معاملات دیروز برای چهارمین روز متوالی افزایش یافت و در مسیر ثبت افزایش هفتگی ۱۰درصدی قرار گرفت. هر بشکه نفت برنت با ۲۹ سنت افزایش ۴۳،۵۹ دلار افزایش یافت و هر بشکه نفت خام آمریکا با ۲۷ سنت افزایش ۴۱،۲۴ دلار فروخته شد. هر دو شاخص نفتی در این هفته پس از وقوع توفان «سالی» که تولید نفت آمریکا را کاهش داد، به‌شدت افزایش یافت. بانک گلدمن‌ساکس در گزارش جدید خود اعلام کرد: «خبر سه‌ساز اخیر در نفت‌کش‌ها برای تحویل‌های آتی به علت مشکلات تخصیص موقتی ذخایر بوده است» نه افزایش ذخایر جهانی نفت. «برآورد ما این است که بازار نفت همچنان با کسری مواجه است». این بانک پیش‌بینی کرد که بازار با کسری سهمیلیون بشکه در روز تا سه‌ماهه چهارم مواجه خواهد بود و نفت برنت تا پایان سال به ۴۹ دلار و در سه‌ماهه سوم سال آینده به ۶۵ دلار در هر بشکه برسد.

بیش بازرگان ایرانی دل به دریا می‌زند و محموله دام زنده را به قطر می‌برد اما در شرایطی که هیچ نهادهی حامی و راهنما و هادی او نیست، وقتی لنج حامل گوسفندان در دریا خراب می‌شود، هیچ فریادرسی ندارد، وقتی بارش با تأخیر به مقصد می‌رسد و به‌دلیل بدحال‌شدن گوسفندان اجازه تخلیه به او نمی‌دهند، طبعاً باید او از سفارت‌خانه کشورمان در دوحه کمک طلبید اما لابد می‌داند که کسی کمکش نخواهد کرد. نتیجه نعمت بار را بر می‌گرداند و نزدیک به هزارو۲۰ گوسفند زبان‌تلف بست می‌شوند؛ ماجرای خواندنی که اگر در زمان و مکان دیگری اتفاق می‌فتاددر مورد آن مقاله‌ها نوشته می‌شد. صیاد بلوچ وقتی دل به دریا می‌زند که حریم صیادی آبا و اجدادی او مورد تاراج گشتی‌های غریبه قرار گرفته و خود او از این نعمت بزرگ بی‌نصیب مانده است، تازه در این مرحله او حق ندارد حمایتی تام و تمام از مسئولان بخواهد که راهزنی دریایی او را به خاک سیاه نشاند اما حوزه بدون متولی است. صیاد بلوچ که تازه از دام راهزنان رسته، به درآمد اندک کشاورزی قانع شده و دیگر حاضر به خطرگرایی نیست، لابد چون فهمید این‌بار دیگر کسی کمکش نخواهد کرد. این هم داستان تکراری فعالان اقتصادی ایران است. دستگاه دیپلماسی کشور گویی برای محقق‌کردن اهداف دیگری تقویت و تجهیز شده و تعهدی برای حمایت مؤثر از فعالان اقتصادی ندارد. وولنتردان هم ظاهرا آن اندازه که نگران وضعیت پوشش شهروندان یا دسترسی‌شان به شبکه‌های مخابراتی نیست، نگران بی‌نیازی فعالان اقتصادی غیرمتنزل به خود نیستند.

ادامه از صفحه اول

صیادی جنوب، آینه مظلومیت اقتصاد ملی

اعتراض جمعیت بومی معمولاً به نتیجه نمی‌رسد و گاه آنان تحریک به اقدامات خشونت‌بار و حتی درگیری فیزیکی می‌شوند. درواقع سهم سه گروه ذی‌نفع جمعیت بومی صاحب حق ریشه، سرمایه‌گذار و ملت ایران در این میانه همواره مبهم و نامعین مانده و دانسته یا نادانسته کسی برای سنجش این سه حق قدمی برنمی‌دارد. طبعاً اگر بناسست برای بهره‌برداری از فلان معدن در محدوده زندگی جمعیت روستایی معین سرمایه‌گذاری صورت بگیرد، اولویت با تشکل تعاونی جمعیت بومی است. اگر آنان منابع مالی یا تجربه لازم را ندارند، این نباید منتهی به ازبین‌رفتن حشنان شود. طبعاً برای اشکال مختلف منابع و ثروت‌های طبیعی باید الگویی جامع برای تقسیم دستاوردها بین جمعیت بومی و بقیه ملت طراحی شود و همه شهروندان با رعایت اولویت جمعیت بومی از همه ثروت طبیعی کشور بهره‌مند باشند. اما نکته‌ای که از همان اول در کشور ما مغفول مانده، این است که معمولاً عرصه طبیعی را به فلان فرد خاص واگذار کرده و صاحبان اصلی حق را محروم کرده‌ایم. بدین‌ترتیب جمعیت بومی از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم مانده، نصیبش از معدن فقط کرد و خاک آن خواهد بود و در بهترین حالت اگر بخت یارش باشد، وظیفه تأمین نیروی کار ارزانه‌قیمت، آن هم فاقد چانه‌زنی دست‌جمعی را به‌عهده‌دار خواهد شد. واگذاری امکان صید در آب‌های ساحلی و کوتاه‌ماندن دست صیادان بلوچ نیز تصویری از این سیاست نسنجیده است. در قدم بعد صیاد بلوچ که فرصت صیادی در آب‌های نزدیک را از دست داده، باید دل به دریا بزند و خطر کند اما گویی از کوچک‌ترین حمایتی برخوردار نیست. مسئولی برایش محدوده امن را تعیین نمی‌کند و حفاظت از جان و مال او متولی ندارد. او باید فقر و فلاکت را تحمل کند و اگر تحمل نمی‌کند و دل به دریا می‌زند، لاجرم خونس پای خودش است. دو سال و اندی پیش بازرگان ایرانی دل به دریا می‌زند و محموله دام زنده را به قطر می‌برد اما در شرایطی که هیچ نهادهی حامی و راهنما و هادی او نیست، وقتی لنج حامل گوسفندان در دریا خراب می‌شود، هیچ فریادرسی ندارد، وقتی بارش با تأخیر به مقصد می‌رسد و به‌دلیل بدحال‌شدن گوسفندان اجازه تخلیه به او نمی‌دهند، طبعاً باید او از سفارت‌خانه کشورمان در دوحه کمک طلبید اما لابد می‌داند که کسی کمکش نخواهد کرد. نتیجه نعمت بار را بر می‌گرداند و نزدیک به هزارو۲۰ گوسفند زبان‌تلف بست می‌شوند؛ ماجرای خواندنی که اگر در زمان و مکان دیگری اتفاق می‌فتاددر مورد آن مقاله‌ها نوشته می‌شد. صیاد بلوچ وقتی دل به دریا می‌زند که حریم صیادی آبا و اجدادی او مورد تاراج گشتی‌های غریبه قرار گرفته و خود او از این نعمت بزرگ بی‌نصیب مانده است، تازه در این مرحله او حق ندارد حمایتی تام و تمام از مسئولان بخواهد که راهزنی دریایی او را به خاک سیاه نشاند اما حوزه بدون متولی است. صیاد بلوچ که تازه از دام راهزنان رسته، به درآمد اندک کشاورزی قانع شده و دیگر حاضر به خطرگرایی نیست، لابد چون فهمید این‌بار دیگر کسی کمکش نخواهد کرد. این هم داستان تکراری فعالان اقتصادی ایران است. دستگاه دیپلماسی کشور گویی برای محقق‌کردن اهداف دیگری تقویت و تجهیز شده و تعهدی برای حمایت مؤثر از فعالان اقتصادی ندارد. وولنتردان هم ظاهرا آن اندازه که نگران وضعیت پوشش شهروندان یا دسترسی‌شان به شبکه‌های مخابراتی نیست، نگران بی‌نیازی فعالان اقتصادی غیرمتنزل به خود نیستند.

این پایان داستان، دردناک‌تر است.

مرگ فقیه حامی تفکر

او برآمده از متن و اصالت فقه اسلامی بود؛ پس اگر چنین است – که چنین هم است – احکام و مجموعه حقوقی که ایشان ارائه کرده، سیمای «دیگری، از اسلام را به تصویر می‌کشد؛ «دیگر» نه به معنا غیر، بلکه به معنای متفاوت و به معنای همان که گفته شد؛ غیرمتداول. علاوه بر ایران نیازمند، این نظام اندیشه‌ای فقهی آیت‌الله صاعی برای جهان امروز و غرب (به دلیل اینکه حقوق مسلط جهانی است یا تلاش دارد که مسلط باشد) غافلگیرکننده و خلع سلاح‌کننده است، به‌خصوص در حوزه برابری که همین نظام‌های سیاسی غرب هنوز در تنگنای حل آن مانده‌اند (نمونه‌اش اعتراضات جاری تبعیض نژادی است)، شکفت‌انگیز و پرطرفدار است. به این خاطر، اگر ایشان را فقیهی برابری‌جو و مساوات‌طلب بنامیم، بیجا نگفته‌ایم؛ به‌ویژه وقتی شواهد بسیار برای این صفت در تاریخ صدر اسلام وجود دارد. نظریه‌پر‌داران «گفتمان» عمیقاً باورن که هیچ گفتمان موجود در جامعه (حتی آن گفتمان‌هایی که به آنها مغلوب – به معنای در برابر غالب نه به معنای شکست‌خورده – با اقلیت نام دهیم) از‌بین‌رفتنی نیستند، به عبارتی همه گفتمان‌های موجود در جامعه (چه غالب و چه مغلوب) زنده‌اند و از آن مهم‌تر، همگی آنها به‌طور بالقوه آمادگی غالب‌شدن و تسلط را در جامعه دارند. اگر این را بپذیریم، می‌توان انتظار داشت که گفتمان آیت‌الله صاعی در حوزه فقهی، روزی گفتمان غالب و مسلط شود که در جریان درگذشت ایشان، بذرهایی از آن پاشیده شد شاید تلاش شاگردان و پیروان این گفتمان بتواند این بذرها را به گستره‌های وسیع‌تر و حتی فراسرزمینی بگستراند که این فرصتی است که درک حیات‌آفرین می‌آفریند.

ادامه در صفحه ۵